

سرشناسه:	حسینی، قوام‌الدین، ۱۳۳۹ -
عنوان و نام پدیدآور:	راز پنهان: یادنامه آیت‌الله سید قوام‌الدین حسینی سیاهکلرودی / سید قوام‌الدین حسینی سیاهکلرودی.
مشخصات نشر:	قم: انتشارات زمزم هدایت، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری:	۱۳۶ ص.؛ مصور؛ ۱۷/۵ × ۱۴/۵ س.م.
شابک:	۴۰۰۰ ریال: ۲-۲۲۹-۲۴۶-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
یادداشت:	کتابنامه: ص. ۱۳۵؛ همچنین به صورت زیر نویس.
عنوان دیگر:	یادنامه آیت‌الله سید قوام‌الدین حسینی سیاهکلرودی.
موضوع:	حسینی سیاهکلرودی، سید قوام‌الدین، ۱۲۴۶ - ۱۳۱۴ - یادنامه‌ها
موضوع:	مجتهدان و علما - ایران - سرگذشتنامه
هیندی کنگره:	۱۳۹۲ ح ۵۴۸۳/ح ۵۵۵/۳ BP
رده‌بندی دی‌سی:	۲۹۷/۹۹۸
شمار کتابشناسی ملی:	۳۳۲۹۰۶۶

www.ketab.ir

راز پنهان

یادنامهٔ آیت الله سید قوام الدین حسینی سیاهکرودی

www.ketab.ir

سید قوام الدین حسینی سیاهکرودی

www.ketab.ir

نشر
سید

راز پنهان (بیادنامه آیت الله سید قوام الدین حسینی سیاهکلرودی)

نویسنده: سید قوام الدین حسینی سیاهکلرودی

صفحه آرا: مسلم خسروی

ناشر: زمزم هدایت

چاپ: نینوا

نوبت چاپ: اول

تاریخ چاپ: پاییز ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۴۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۴۶-۲۲۹-۲

آدرس: قم، خیابان دورشهر، نبش کوچه ۳، پلاک ۸۱

تلفن: ۰۱۱-۳۳۸۱۷۰۰۰

فهرست

۹	پیشگفتار
۱۵	فصل اول: زندگی نامه
۱۵	دوران کودکی
۱۶	نسب سیادت
۱۷	کسب دانش حوزوی
۱۸	حضور در حوزه قزوین
۱۸	حضور در حوزه نجف اشرف
۱۹	توسل به جناب امیرالمؤمنین (ع)
۲۰	بازگشت به وطن
۲۱	وصیت نامه ها
۲۳	همسر و فرزندان
۲۷	محل سکونت
۲۸	عروس گیلان

۲۹	پاسخ به نیازهای دینی مردم
۳۱	باغ بهشت
۳۳	تاریخ وفات
۳۵	فصل دوم: شخصیت علمی
۳۵	اجازات اجتهاد
۳۶	۱. سید محمد کاظم یزدی معروف به صاحب عروة
۳۸	۲. شیخ محمد حسن مامقانی
۳۸	۳. سید ابوالقاسم حسینی گیلانی اشکوری
۳۹	۴. سید محمد باقر حجتی طباطبائی
۴۰	۵. شیخ میرزا حسین طهرانی
۴۰	۶. شیخ حسین مازندرانی
۴۱	۷. شیخ محمد فاضل شرایانی
۴۲	اساتید
۴۴	۱. شیخ عبدالله مازندرانی
۴۵	۲. آخوند محمد کاظم خراسانی
۴۸	کتابها و کتابخانه
۵۱	نشانی دیگر از کتابها
۵۲	علم در نگاه او
۵۲	مباحثه و تدریس
۵۴	توان علمی
۷۸	قصیده‌ای در بیان اوصاف آیت‌الله سید قوام‌الدین

۸۱	فصل سوم: عبادات، کرامات و روش تربیتی
۸۵	۱. یاد خدا و توسل
۸۸	عرض ارادت به شاه ولایت
۹۱	۲. رعایت احکام دینی
۹۲	۳. اخلاق الهی
۹۲	۱-۳. مهرورزی و عدالت
۹۲	۲-۳. پذیرایی از مأموران
۹۳	۳-۳. تأثیر بر زندانیان
۹۳	۴-۳. مهمان نوری
۹۴	۵-۳. خویشن داری و دوستی
۹۵	۶-۳. ادب و نظم
۹۶	۴. تربیت فرزندان
۹۹	۵. تربیت دینی
۱۰۱	۶. کرامات
۱۰۲	۱-۶. استجابت دعا
۱۰۳	۲-۶. طی الارض
۱۰۴	۳-۶. برکت
۱۰۴	۴-۶. حفاظت از باغ
۱۰۵	۵-۶. تأثیر روحانیت
۱۰۷	فصل چهارم: شخصیت سیاسی
۱۰۹	کتمان اسرار
۱۱۱	درگیری با حکومت

- گزارش زندان ۱۱۲
- گزارش زندان به قلم آیت الله سید قوام الدین حسینی سیاهکلرودی ۱۱۴
- اسناد و تصاویر ۱۱۷
- کتاب نامه ۱۲۵

پیشگفتار

خدای بزرگ آدمی را با علم بر فرشتگان برتری بخشید و مسجود آنان ساخت و اهل علم و ایمان را، در بین آدمیان، بزرگی و منزلت داد. قرآن عزیز فرمود:

يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ اسْتَوُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (مجادله: ۱۱)

خدا [رتبه] کسانی از شما را که گردیده و کسانی را که دانشمندند [بر حسب] درجات بلند گرداند، و خدا به آنچه می کنید آگاه است.

علم و عمل دو بال پرواز آدمی به سوی کمال و سعادت الهی علمی که به ترس از خدا و اطاعت از او دعوت می کند و به کسب فضایل انسانی فرامی خواند.^۱ عالمانی، که از چنین دانشی برخوردارند، وارثان علوم انبیا و حاملان نور هدایت و پیشوایان فضیلت برای انسان ها هستند. امیر مؤمنان علی علیه السلام در خطاب به کمیل، فرمود:

۱. بقره (۲)، آیه ۳۱-۳۴.

۲. إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ؛ از بندگان خدا تنها دانایانند که از او می ترسند. (فاطر: ۲۸)

النَّاسُ ثَلَاثَةٌ عَالِمٌ رَبَّانِيٌّ وَمَتَّعَلَّمٌ عَلَى سَبِيلِ النِّجَاةِ وَهَمَّجٌ رَعَاغٌ أَتْبَاعُ كُلِّ نَاعِقٍ يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ لَمْ يَسْتَضِيئُوا بِنُورِ الْعِلْمِ فَهَيَّتُوا وَلَمْ يَلْجَأُوا إِلَى رُكْنٍ وَثِيقٍ فَيَنْجُوا.

مردم سه گونه‌اند: دانشمند ربّانی، دانشجوی راه‌رستگاری و فرومایگانی که مگس‌وار از پی هر بانگی می‌روند و با وزش هر بادی تغییر جهت می‌دهند، از فروغ دانش بهره‌ور نشده‌اند تا راه به جایی برند و به ستونی استوار پناه نیاورده‌اند تا نجات یابند.

هدایت و نجات انسانها در گرو دانش‌اندوزی و تابش نور معرفت در وجود آنهاست. بنابراین، اهل سعادت و نجات یا عالمانی ربّانی‌اند، که راه نجات را یافته‌اند و به دیگران نشان می‌دهند، یا دانشجویانی‌اند، که در جست‌وجوی دانش و راه سعادت هستند. آنان که از این دو گروه خارجند به نور علم راه نیابند و در راه نجات دور می‌مانند. در حقیقت، امام در این سخن مردم را به جست‌وجوی دانش و تکریم علم و عالمان فراخوانده است. آن حضرت، در ادامه این سخن درباره فضیلت علم و عالمان، فرمود:

يَا كَمِيلَ بْنَ زِيَادٍ مَعْرِفَةُ الْعِلْمِ دِينٌ يُدَانُ بِهِ يَكْسِبُ الْإِيمَانَ الطَّاعَةَ فِي حَيَاتِهِ وَجَمِيلَ الْآخِرَةِ بَعْدَ وَفَاتِهِ... يَا كَمِيلُ هَلَكَ خِرَانُ الْأَمْوَالِ وَهُمْ أَحْيَاءُ وَالْعُلَمَاءُ بِأَقْوَنَ مَا بَقِيَ الدَّهْرُ أَعْيَانُهُمْ مَفْقُودَةٌ وَأَمْثَالُهُمْ فِي الْقُلُوبِ مَوْجُودَةٌ.^۲

ای کمیل بن زیاد! شناخت علم راستین (علم الهی) آیینی است که با آن پاداش داده می‌شود، و انسان در دوران زندگی با آن خدا را

۱. تحف العقول، حسن بن علی حرانی، ص ۱۷۰.

۲. نهج البلاغه (صبحی صالح)، حکمت ۱۴۳، ص ۴۹۶.

اطاعت می‌کند، و پس از مرگ، نام نیکوبه یادگار گذارد... ای کمیل! ثروت‌اندوزان بی‌تقوا مرده‌اند گرچه به ظاهر زنده‌اند، اما دانشمندان، تا دنیا برقرار است، زنده‌اند، بدن‌هایشان گرچه در زمین پنهان اما یاد آنان در دل‌ها همیشه زنده است.

یکی از این عالمان ربانی، سیدی از منطقه شرق گیلان است. نام او سید قوام‌الدین بود. در کودکی، پدر را از دست داد و، با هدایت مادر، راه تحصیل علم را شهر به شهر در پیش گرفت و پس از رسیدن به درجه اجتهاد، در حوزه علمیه نجف، به وطن بازگشت و تا پایان عمر در آنجا ماند.

پدرم، فرزند بیت‌الله سید قوام‌الدین، به احترام وی، نام نخستین پسرش را سید قوام‌الدین نهاد، او، در کودکی، از دیار رفت و پندر پس از تولد این نام را بر من نهاد. قصه‌ها از نزدیکان، درباره دانش، روحانیت، کتابها و کرامات او شنیدم. جاذبه‌های روحانی شخصیت ایشان، از کودکی، مرا مجذوب خویش ساخته بود، به و، هم‌نامی با ایشان و آن چه از نزدیکان درباره ایشان شنیده بودم، مرا به جست‌وجو و شناخت بهتر از او سوق می‌داد. در پی نشانی از او بودم و به گوشه و زوایای خانه قدیمی، که زمانی ایشان در آن سکونت داشتند و مادر کودکی و نوجوانی در آن زندگی می‌کردیم، بارها، سرک می‌کشیدم. در یکی از این گشت و گذارها، بخشی از تقریرات درس خارج اصول ایشان را، در پشت بام خانه، یافتم. جای تأسف بود، که میراث مکتوب «عالمی ربانی»، چنین پراکنده گردد و بی‌نام و نشان در کنج کتابخانه‌های شخصی دیگران جای گیرد یا در زیر گرد و غبار غربت به کهنه‌گی و فراموشی سپرده شود یا نابود گردد.

همین کشش و جاذبه‌ها بود، که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مرا به تحصیل علوم دینی سوق داد. با توفیق الهی، پس از اتمام خدمت سربازی، در سال ۱۳۶۰ ش، شروع به تحصیل علوم دینی کردم. گویا روحانیت ایشان مرا در این راه یاری می‌داد. بعدها به برخی دیگر از نوشته‌های ایشان دست یافتم و مسئولیتی را برای احیای شخصیت ایشان، همواره، در خویش احساس می‌کردم.

در پی فرصتی برای تحقیق و نوشتن کتابی در معرفی ابعاد شخصیت ایشان بودم. نه با لطف و رحمت الهی، این فرصت فراهم شد و، با درخواست برخی از نزدیکان برای نوشتن کتابی در معرفی ایشان، دست به کار شدم. در کنار تحقیق و نوشتن «یادنامه» به تحقیق درباره دو جلد از تقریرات درس خارج ایشان و آماده‌سازی آن برای چاپ پرداختم. از یک سو، دشواری این کار در کنار استغالات علمی و، از سویی دیگر، ضرورت پرداختن به چنین کاری با وجود کتبهای فراوان فقهی و اصولی در جامعه علمی مرا به اندیشه و تردید در انجام این کار وامی‌داشت. پس از آغاز به کار، شبی امام خمینی را در خواب دیدم. روی ایشان نشسته بودم، فرمودند: چون پدر بزرگ شما است، این کار را انجام بده.

مشکل اساسی، پس از آغاز به کار، کمبود منابع و از دست دادن بیشتر کسانی بود که با ایشان زندگی کرده بودند و از حالات، سیره و روش ایشان باخبر بودند. با همین منابع اندک شروع به کار کردم و بر این باور بودم که فرصت باقی مانده را، نباید از دست داد؛ زیرا اگر چه گذر زمان، درگذشت بستگان نزدیک و نسل اول و از بین رفتن بیشتر کتابها و نوشته‌های ایشان، کار تحقیق و شرح زندگانی ایشان را دشوار ساخته است، با این همه، اگر در این زمان، که برخی از نزدیکان درجه اول زنده

هستند و شنیده‌هایی از خاطرات پدر در ذهن دارم، سیمایی از زندگانی ایشان تدوین نگردد، انجام چنین کاری پس از این دشوارتر خواهد بود. مهم‌ترین منبع برای آشنایی با زندگی نامه، تحصیلات و اساتید ایشان، کتابها و نوشته‌هایی است که از وی باقی مانده و، به ویژه، آخرین وصیت‌نامه‌ای، که یک سال پیش از وفاتشان، در سال ۱۳۵۳ ش نگاشته‌اند. پیکره اصلی این کتاب را این بخش از منابع شکل می‌دهند.

در آغاز این وصیت‌نامه، پس از ستایش خدای بزرگ و سلام و صلوات بر رسول خدا ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام و اقرار به اعتقادات اسلامی، گزارشی کوتاه از آغاز تحصیل، شهرهایی که در آنها به تحصیل علوم دینی پرداخته‌اند، و اساتیدی که نزد آنها درس خوانده و از آنها اجازه اجتهاد گرفته‌اند، با ذکر تاریخ، آمده است.

از منابع دیگر مادر معرفت شخصیت ایشان، خاطراتی است که از مادر بزرگ، پدر، عمه‌ها و دیگر نزدیکان آمده و در خاطر دارم. این بخش از مستندات، اگر چه به استحکام و درست‌بینی بخش اول نیستند، ولی دورنمایی از سیره و زندگانی معظم له را در برابر دیدگان ما قرار می‌دهند و ما را در شناخت بیشتر ایشان یاری می‌کنند.

این یادنامه، در چهار فصل، به تبیین شخصیت ایشان پرداخته است. در فصل اول دورنمایی از زندگی ایشان از دوران کودکی تا زمان مرگ ترسیم شده است. اطلاعات خانوادگی مربوط به پدر، مادر، برادران، همسران و فرزندان در جه اول و همچنین دوران تحصیل، محل سکونت و وصیت‌نامه‌ها در این فصل آمده است. مطالب این فصل به تناسب اهمیت، برخی در متن و برخی در پاورقی آمده است. فصل دوم به تبیین شخصیت علمی ایشان پرداخته و از اساتید، نوشته‌ها و کتابخانه سخن

گفته است. در فصل سوم، با استناد به روایات شفاهی، ابعاد معنوی و تربیتی شخصیت ایشان بیان شده است و در فصل چهارم، بعد سیاسی شخصیت ایشان و گزارش زندان وی آمده است و، در پایان کتاب، برخی از اسناد و تصاویر از نوشته‌ها، وصیت‌نامه، گزارش زندان و تصویر خانه مسکونی و مزار، آمده است.

از خدای بزرگ برای انجام این کار سپاس گزارم و امیدوارم، به بزرگی و کرمش، آن را بپذیرد و از همه کسانی که در انجام آن مرایاری نموده‌اند، به ویژه، از حاجیه خانم طاهره حسینی، ضحیه مرحوم آقا، که با کمال بردباری خطراتشان را در اختیارم نهادند و همچنین دوستانی که در نگارش مباحث تاریخی همیار ما بوده‌اند، کمال تشکر دارم. در پایان، از همه خوانندگان، به ویژه نویسندگان آن مرحوم، که تعلق خاطر و دلبستگی به ایشان دارند، به سبب کاسی‌نویسی که در آن می‌بینند، پوزش می‌طلبم و آماده پذیرش انتقادات و پیشنهادات شما برای اصلاح، در چاپ‌های بعدی، هستم.

سید قوام‌الدین حسینی، سید علی‌اکبر رودی

شهر مقدس قم ۱۳۹۲/۱/۱